

# تبیین جامعه‌شناختی عوامل موثر بر تمایل دختران نوجوان به بزهکاری در شهر

## کرمان

محمد تقی ایمان<sup>۱</sup>

الهام شیردل<sup>۲</sup>

فاطمه انجم شعاع<sup>۳</sup>

حمید شیردل<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۲/۲۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۳/۲

این پژوهش در صدد است تا تمایل به رفتارهای بزهکارانه دختران نوجوان شهر کرمان را از طریق عوامل اجتماعی تبیین کند. بدین منظور در چهارچوب نظری این پژوهش، از نظریه کنترل اجتماعی هیرشی استفاده شده است. متغیرهای مستقل این پژوهش شبکه اجتماعی، تحصیلات والدین و الگوهای گذران اوقات فراغت هستند. متغیر وابسته این پژوهش نیز متشکل از ۲۴ گویه در قالب تعداد دفعات تمایل به انجام بزهکاری در خود و دوستان نزدیک ارزیابی شده است. این پژوهش با استفاده از روش پیمایشی و تکنیک پرسشنامه انجام گرفته است. جامعه آماری این پژوهش، دختران نوجوان شهر کرمان در سال ۱۳۹۲ و تعداد نمونه ۳۸۱ نفر می‌باشند. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد: الف) تمایل به بزهکاری به میزانی قابل ملاحظه در رفتارهای دختران نوجوان وجود دارد. ب) بین متغیرهای مستقل فراغت اینترنتی، ماهواره‌ای، فراغت گردش-تفریحی، استفاده از موسیقی مدرن و فراغت ورزشی با تمایل به بزهکاری دختران نوجوان رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. ج) متغیرهای شبکه اجتماعی، تحصیلات والدین و فراغت دینی بر تمایل به بزهکاری اثری کاهنده دارند. د) اجرای تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که تنها سه متغیر الگوی فراغتی بر شدت تمایل به بزهکاری اثر دارند و می‌توانند ۲۳ درصد آن را تبیین کنند. این سه متغیر عبارت بودند از: متغیر فراغت اینترنتی، گردش-تفریحی و استفاده از ماهواره. ر) متغیر فراغت اینترنتی از بین سایر متغیرها بیشترین

۱) استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، عضو هیأت علمی دانشگاه دولتی شیراز

E-mail: el.mshirdel@gmail.com

۲) دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

۳) کارشناسی ارشد، گروه جامعه‌شناسی، بخش علوم اجتماعی، دانشگاه باهنر کرمان

۴) کارشناسی ارشد، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه علوم و تحقیقات کرمان

تأثیر کل را بر متغیر وابسته نشان داده است. بنابراین، عوامل اجتماعی نظیر سطح تحصیلات پایین والدین، فقدان پیوندهای اجتماعی در شبکه روابط افراد و عدم کنترل اجتماعی درست و صحیح در اوقات فراغت می‌تواند دختران نوجوان را به سوی بزهکاری سوق دهد.

**واژگان کلیدی:** عوامل اجتماعی، فراغت، تمایل به بزهکاری و دختران



## طرح مسأله

بدون تردید، توسعه و پیشرفت جوامع بشری، مرهون نیروی انسانی سالم، متعهد، متخصص و جوان آنهاست. یکی از عواملی که در نابودی نیروی انسانی به ویژه جمعیت جوان و فعال جوامع، سهم بسزایی دارد، پدیده بزهکاری است که امروزه گریبانگیر بسیاری از کشورها، از جمله ایران شده است. هدف این پژوهش، شناخت عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش نوجوانان دختر به بزهکاری است. آمارها و اطلاعات مربوطه به تغییرات جرم زنان در سطح کشور نشان می‌دهد که تعداد زنان محکوم شده به زندان در کل کشور از ۷۰۷۶ نفر در سال ۱۳۶۰ به ۹۶۴۶ نفر در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است. این روند افزایشی از سال ۱۳۷۰ به بعد شتاب بیشتری داشته است. بررسی آمار مربوط به جرایم زنان بر اساس استان نیز حاکی از آن است که استان کرمان از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ به ترتیب با ۷/۸ و ۷/۹ درصد یکی از استان‌هایی بوده که دارای بیشترین میزان رشد جرایم ارتكابی در زنان است. بررسی آمار محکومان به زندان نشانگر آن است که تعداد جرایم ثبت شده زنان از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰ در کل کشور، افزایشی معادل ۲/۲ برابر داشته است. در همین مدت، جمعیت زنان بالای پانزده سال افزایشی حدود ۱/۵ برابر را نشان می‌دهد. بنابراین، رشد جرایم زنان بیش از رشد جمعیت بالای پانزده سال بوده است. همچنین، جرایم اخلاقی، جنسی و مواد مخدر بیشترین نوع جرایم رایج در بین زنان طی این سال‌ها شناخته شده اند (جربانی، ۱۳۸۹: ۱۰۷).

اوقات فراغت نیز مانند سایر جنبه‌های زندگی بشر، در طول قرون و اعصار ثابت نمانده و تغییرات زیادی را در روند تاریخی خود شاهد بوده است. مهم‌ترین برهه‌ای که تغییر و تحولی بنیادین را در اوقات فراغت پدید آورد، انقلاب صنعتی بود. آمیختگی کار با اوقات فراغت، همراه با زندگی در خانواده گسترده، زندگی سالم و نسبتاً رضایت بخشی را برای مردم جوامع سنتی فراهم کرده بود. در خانواده گسترده، فرزندان با همسالان خود بازی، تفریح و دوستی می‌کردند و اعضای خانواده گسترده از حمایت‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، عاطفی و فرهنگی خانواده برخوردار بودند. فعالیت‌های تفریحی و فراغتی مختلفی نیز در میان آنها رایج بود. به طور مثال، مطالعه قرآن، نهج البلاغه، مثنوی معنوی، شاهنامه، گلستان سعدی و دیوان حافظ، و بیان حکایت‌ها و قصه‌گویی‌های پدربزرگ‌ها، مادربزرگ‌ها و بزرگان خانواده از فعالیت‌هایی بود که اعضای خانواده‌های گسترده جوامع ایرانی در ساعات فراغت بعد از کار و هنگام دور هم نشینی‌ها به آنها می‌پرداختند. بدیهی است که این فعالیت‌ها به طور مستقیم و غیرمستقیم، به رشد شناختی، عاطفی و معنوی همه اعضای خانواده به خصوص افراد نوجوان و جوان کمک بسیار می‌کرد. انقلاب صنعتی در قرن‌های هجدهم و نوزدهم، تغییرات و تحولات عمیقی به وجود آورد. کارخانه‌ها و شهرهای بزرگ به افزایش جمعیت شهری، آپارتمان‌نشینی، ازدحام، مسکن نامرغوب،

فقر، ایجاد حلی آبادها و افزایش جنایت منجر شد. در این هنگام، خانواده گسترده کم کم جای خود را به خانواده هسته‌ای داد. محل بازی فرزندان به فضاهای گرفته و کوچک اتاق‌ها محدود شد، زندگی شتاب سرسام‌آوری به خود گرفت و روابط اجتماعی و فراغت با کیفیت و سازنده به دست فراموشی سپرده شد (اردکانیان، ۱۳۸۶: ۱۷۷).

با ایجاد تغییرات اجتماعی، توسعه فناوری‌های نوین و بروز نیازهای جدید در خانواده‌ها و جوانان، الگوهای فراغتی رسانه‌ای و مجازی پا به عرصه گذاشتند و روابط اجتماعی شکل جدیدی به خود گرفت. گرایش روزافزون به ارتباطات مجازی که جایگزین نامناسبی برای تخلیه هیجان و وقت‌گذرانی است و از آن به عنوان "آسیب‌های نوپدید" یاد می‌گردد، نوجوانان و جوانان را از دنیای واقعی به دنیای مجازی و هیجانی کشاند، چرا که فرد در دنیای واقعی جایی برای تخلیه این هیجانات ندارد. بدیهی است به همان میزان که افراد وقت خود را برای روابط و بازی‌های مجازی صرف می‌کنند، از تعامل آنان با دیگران در محیط تحصیل و خانواده کاسته می‌شود (معاونت آموزش دفتر کاهش آسیب‌های اجتماعی، ۱۳۹۰). همین‌طور بازی‌های کامپیوتری به علت در دسترس بودن آسان و نبود گزینه‌های مناسب دیگر در اوقات فراغت جوانان، رواج بیش از اندازه‌ای یافت. بی تردید، احساس کمبود بر اثر از بین رفتن روابط اجتماعی و حمایت‌های اجتماعی در کنار رواج استفاده از الگوهای فراغتی نامناسب و مخرب از جمله فراغت مجازی و رسانه‌ای باعث افزایش آسیب‌پذیری فرد در برابر انحرافات می‌شود.

شبکه اجتماعی قوی و اوقات فراغت سازنده از استفاده‌های ضد اجتماعی و بزهکارانه از وقت آزاد پیشگیری می‌کند. اوقات فراغت با تدارک برنامه‌های سازنده و لذتبخش برای جوانان از طریق فرصت‌های تفریحی مرتبط با سایر خدمات لازم برای آنها، از استفاده ضد اجتماعی یا مخرب وقت آزاد مانند بزهکاری یا سوء مصرف مواد پیشگیری می‌کند یا تأثیرات منفی این نوع استفاده از وقت آزاد را کاهش می‌دهد. برخی از محققان، نقطه آغازین بزهکاری جوانان را در برخی از اشکال ناسالم بازی‌های دوران نوجوانی و جوانی شناسایی کرده‌اند. محرومیت از اوقات فراغت مناسب، زمینه مساعدی را برای ایجاد و گسترش انواع انحرافات اجتماعی که روی ساختار نیز تأثیرات مخربی باقی می‌گذارند، فراهم می‌نماید. از آن میان می‌توان به اعتیاد، انحرافات جنسی، بزهکاری (مدرسه‌گریزی، پرسه‌زنی و ولگردی در خیابان، پرخاشگری و تجاوز به حقوق دیگران، طغیان علیه اولیا، خانواده و جامعه، تشکیل باندهای نابه‌هنجار، سرقت، تخریب اموال مدرسه یا هر مکان دیگری و...) اشاره کرد (مکلین و دیگران، ۲۰۰۵: ۱۷۵).

اوقات فراغت، فرصتی طلایی است که می تواند زمینه مناسبی را برای رشد و بالندگی افراد فراهم آورد. استفاده صحیح از اوقات فراغت هم بر زندگی فرد و هم بر جامعه تاثیر مثبت خواهد داشت - همچنان که استفاده نادرست از اوقات فراغت در هر دو سطح یاد شده نیز می تواند باعث بروز مشکلات و خسارات جبران ناپذیری شود. این مسئله به خصوص در مورد جوانان و نوجوانان از حساسیت بیشتری برخوردار است، زیرا این قشر آینده ساز، خود و نسل بعدی اجتماع را خواهند ساخت و سرنوشت آنها با سرنوشت جامعه گره خورده است. همچنین، میزان فراغت این گروه و نیز سهم آنان در فعالیت های فراغتی، بیشتر از سایر اقشار است (معاونت آموزش دفتر کاهش آسیب های اجتماعی، ۱۳۹۰). نداشتن برنامه ای مفید و راهبردی مشخص برای سپری کردن موثر این اوقات و همچنین نبود شبکه اجتماعی که بتواند فرد را از لحاظ عاطفی، مالی، اجتماعی و مصاحبتی حمایت کند، بدون شک زمینه را برای بروز بسیاری از مفاسد اجتماعی فراهم می آورد و در نهایت، امنیت و نظم اجتماعی را به مخاطره می اندازد (احمدی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰۶). در اثر تعداد و کیفیت روابط اجتماعی و فعالیت های سالم در اوقات فراغت هم آسایش روحی، روانی و جسمی دختران جوان تأمین می شود، هم شخصیت آنان رشد و شکوفایی می یابد و از هدر رفتن نیروها که در صورت عدم هدایت صحیح ممکن است موجب بزهکاری های فردی و اجتماعی گردد، جلوگیری به عمل می آید. همچنین، اشاعه فرهنگ و امنیت عمومی، توسعه فرهنگی و نشاط و سرزندگی در جامعه افزایش می یابد (مک لین و دیگران، ۲۰۰۵: ۱۷۰).

تحلیل جنسیتی اوقات فراغت کمک می کند تا نیازهای خاص فراغتی دختران جوان را براساس مقتضیات روحی، روانی و جسمانی آنان شناخته و آسیب های بالقوه اوقات فراغت در این گروه با دقت بیشتری بررسی شود. از طرف دیگر، دختران جوان به علت وضعیت خاص بیولوژیکی و شرایط اجتماعی و عرفی جامعه ایران به حمایت های اجتماعی بیشتر و برنامه های فراغتی متفاوت با پسران نیاز دارند. عدم برخورداری از حمایت ها و پیوندهای اجتماعی سالم و فعالیت های فراغتی و تفریحی مطلوب به کاهش کارایی زنان و دختران جوان در محیط تحصیل، خانواده و افزایش افسردگی دامن می زند و چه بسا باعث تخریب روابط انسانی در حوز اجتماع و خانواده شود (رفعت جاه و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۳). داشتن روابط اجتماعی سالم و اوقات فراغت سازنده، بر اجتماعی شدن و یادگیری ارزش ها و هنجارها تاثیر دارد و از نظر فرهنگی به حفظ کلیت نظام اجتماعی کمک می کند. اوقات فراغت، یک نهاد اجتماعی است که ارزش ها و هنجارها را به افراد انتقال می دهد و به شکل دادن و ساختن جامعه کمک می کند. نحوه گذران اوقات فراغت، نشان دهنده ارزش های موجود در جامعه است و ممکن است به حفظ الگوهای جامعه کمک کند، از تنش های جامعه بکاهد و به حس رفاقت، دوستی، تعلق اجتماعی و کاهش گرایشات و اقدامات بزهکارانه کمک کند (هاشمی، ۱۳۸۹: ۲).

از اهداف مهم این مطالعه، بررسی انواع الگوهای فراغتی رایج در بین دختران نوجوان شهر کرمان و پاسخگویی به سوالات زیر است:

- چه میزان و شکل‌هایی از تمایل به بزهکاری در دختران نوجوان وجود دارد؟
- ویژگی‌های فردی سن و بعد خانوار با رفتار بزهکارانه دختران نوجوان چه رابطه‌ای دارد؟
- عوامل اجتماعی نظیر میزان تحصیلات والدین، روابط اجتماعی غیر رسمی با خانواده، دوستان و... در تمایل به بزهکاری دختران نوجوان چه تأثیری می‌گذارد؟
- گرایش به اقدامات خلافکارانه دختران نوجوان با الگوهای فراغتی چه رابطه‌ای دارد؟
- الگوهای فراغتی چه آثار سوئی بر رفتارهای دختران نوجوان دارد؟
- کدام یک از الگوهای فراغتی، این گروه را از گرایش‌های بزهکارانه دور نگه می‌دارد و کدام یک بر میزان آن می‌افزاید؟

## ادبیات و پیشینه پژوهش

برخی تحقیقات و مطالعات تجربی اخیر مبین رابطه معکوس و برخی دیگر حاکی از وجود رابطه مستقیم بین اوقات فراغت و بزهکاری می‌باشند. تحقیقات بسیاری نشان داده است که اغلب بزهکاران جوان، از اوقات فراغت خود سوء استفاده می‌کنند. مک‌لین و دیگران (۲۰۰۵) شکستن شیشه پنجره‌ها، مردم آزاری، فرار از مدرسه و امثال آن را اشکالی از بازی، ماجراجویی و هیجان می‌دانند. ساوینا<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) در پژوهش خود با عنوان "فراغت و خشونت جسمی" بیان می‌کند که رابطه بین انحرافات اجتماعی و نحوه گذران اوقات فراغت معنی‌دار می‌باشد و گرایش به خشونت جسمی نسبت به دیگران در بین جوانانی که اوقات فراغت خود را در کنار یکدیگر می‌گذرانند (گروه همال) بیشتر از جوانانی است که این اوقات را در کنار گروه همال خود به سر نمی‌برند. کلی<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) در فراتحلیل خود اعلام می‌کند که بین همه انواع ورزش‌های درون مدرسه و بزهکاری، رابطه مستقیم و معناداری دیده شده است - اما برخی دیگر از مطالعات، وجود رابطه معکوس بین ورزش و بزهکاری را گزارش کرده‌اند.

<sup>1</sup>Savina

<sup>2</sup> Kelley

نشریه حقوق جوانان (۱۹۹۹) بیان می‌کند که بیشتر اوقات فراغت به عنوان فرصتی برای رفتارهای مشکل آفرین جوانان تصور می‌شود. رابینسون<sup>۲</sup> و دیگران (۱۹۹۹) نتیجه می‌گیرند جوانان بیشتر تحت تأثیر گروه همسالان و رسانه‌های جمعی هستند تا خانواده و ارزش‌های جمعی و محلی.

پوریوسفی و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیقی که در مورد "بررسی جامعه‌شناختی عوامل موثر بر الگوپذیری رفتار اجتماعی دختران" روی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر تهران انجام داده‌اند، به این نتیجه دست یافتند که متغیر تحصیلات والدین با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران رابطه‌ای معنادار دارد. همچنین، رابطه نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران با گروه دوستان و همسالان معنادار بوده و نیز رابطه معناداری بین متغیر وابسته تحقیق با نوع فعالیت‌های پرورشی و آموزشی مدارس مشاهده شده است. بالاخره، یکپارچگی با دیگران با الگوهای رفتاری دختران رابطه‌ای معنادار داشته است.

نتایج تحقیق صادقی فر (۱۳۸۹) در مورد "عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش نوجوانان و جوانان پسر به بزهکاری و راهکارهای پیشگیری از آن" نشان داد در نوجوانان و جوانان بزهکار پسر در زندان بیرجند بین متغیرهای میزان نابسامانی خانواده و نوع همسالان با بزهکاری رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین، ردادی (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای در مورد "رابطه بین سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی" نشان می‌دهد که با تقویت همیاری، انسجام بخشی و کاهش کنترل رسمی شهروندان در طول زمان می‌توان از بسیاری از جرایم پیشگیری کرد.

زاهد و الماسی (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان "بررسی تطبیقی عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش به رفتار بزهکارانه در میان حاشیه‌نشینان و غیر حاشیه‌نشینان در مورد دانش‌آموزان پسر دبیرستانی شهر ایلام"، رابطه بین متغیرهای صمیمیت بین اعضای خانواده، وابستگی به دوستان و مدرسه، آسفتگی خانواده و استفاده از تولیدات فرهنگی خارجی با رفتارهای بزهکارانه را تأیید کردند.

بنا به نظر افروز (۱۳۷۰) اوقات فراغت، بستر مطلوبی برای جریان نیکوی رشد شخصیت و اعتلای وجود و یا زمینه همواری برای بروز اختلالات رفتاری و انحرافات اخلاقی و بزهکاری‌های اجتماعی است. کوهستانی و دیگران (۱۳۸۷) نتیجه می‌گیرند میزان انحرافات جوانان در ساعات بعد از مدرسه به ویژه ساعات فراغت افزایش می‌یابد. نتایج پژوهش‌های سازمان ملی جوانان (۱۳۸۴) بیان می‌کند بسیاری از انحرافات و بزهکاری‌های جوانان به واسطه عدم وجود برنامه صحیح در گذران اوقات فراغت جوانان

<sup>1</sup>National report series

<sup>2</sup> Robinson

پدید می آید. مهمترین شاهد در این زمینه آن است که در تابستان به دلیل افزایش وقت آزاد و فرصت های فراغتی، بیشترین بزهکاری ها و اختلالات رفتاری در میان جوانان به وقوع می پیوندد.

نتایج تحقیق خواجه نوری و دیگران (۱۳۸۹) در مورد "رابطه اوقات فراغت و بزهکاری" نشان داده است بین فعالیت های فراغتی سازمان نیافته و بزهکاری رابطه معنادار مثبتی وجود دارد و اوقات فراغت سازمان یافته بر روی هم ۲۳ درصد تغییرات متغیر بزهکاری را تبیین کرده است. احمدی و دیگران (۱۳۸۸) در تحقیقی که به روش پیمایش اجتماعی و در نمونه ای شامل ۶۵۰ پاسخگوی نوجوان صورت پذیرفت، نشان می دهند که بین محل تولد، جنسیت، وضعیت تحصیلی، استفاده از تولیدات فرهنگی غرب و نحوه گذراندن اوقات فراغت و رفتار بزهکارانه پاسخگویان رابطه معنی داری وجود دارد.

علیوردی نیا و دیگران (۱۳۸۷) در تحقیق در مورد "فعالیت های ورزشی و بزهکاری" بین مشغولیت بیشتر در ورزش های انفرادی و بزهکاری رابطه ای مثبت یافته اند. مشکانی و دیگران (۱۳۸۱) در مقاله "سنجش تاثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان"، به بررسی میدانی موضوع بزهکاری نوجوانانی که به جرم بزهکاری در تهران بزرگ در سال ۱۳۷۱ دستگیر شده اند پرداختند. یافته ها نشان می دهند که هر قدر وابستگی نوجوان به خانواده قوی تر باشد، از شدت عمل بزهکارانه کاسته می شود و نگرش های منفی نسبت به قانون، مجریان قانون و هنجارهای اجتماعی باعث تقویت بزهکاری می شوند. سرانجام ارتباط با بزهکاران به صورت صمیمی و مستمر، نوجوان را بشدت به سوی بزهکاری سوق می دهد.

تنهایی و عباسی (۱۳۸۷) نشان می دهند که فعالیت های اوقات فراغت معین و هدایت شده، اثری کاهنده بر میزان بزهکاری دارند. نقش عضویت در باشگاه های ورزشی و انجمن های ادبی، فرهنگی و علمی قوی تر از الگوهای فراغتی دیگر است. وی بیان می کند که میزان مشغولیت فرد به فعالیت های فراغتی گوناگون باعث می شود که فرد برای کار خلاف وقت نداشته باشد. درگیر شدن در سرگرمی های مدرسه و خانه، اشتغال به فعالیت های فوق برنامه، سرگرمی های خاص، عضویت در باشگاه های ورزشی و انجمن های ادبی، فرهنگی و علمی قاعدتا فرصت لازم را برای انجام بزهکاری از بین می برد.

یافته های تحقیق رفعت جاه و دیگران (۱۳۸۹) در مورد "تبیین جامعه شناختی فعالیت های فراغتی دختران جوان با تاکید بر عوامل آسیب شناختی آن" حاکی از آن است که سایر نهادهای اجتماعی از جمله رسانه های جمعی بر نگرش و رفتار فرد تاثیر بیشتری می گذارند. پژوهش های سلگی (۱۳۸۲)، رفعت جاه (۱۳۸۷) و کاظمی (۱۳۸۷) جملگی بسیاری از انحرافات جوانان را نتیجه فقدان برنامه ریزی صحیح در گذران اوقات فراغت می دانند. مهدوی و دیگران (۱۳۸۷) در تحقیقی در مورد "کج رفتاری و



اوقات فراغت" نتیجه گرفتند که فعالیت‌های فراغتی ورزشی بیشترین تاثیر منفی معنی‌دار را بر انواع آسیب‌های اجتماعی دارند.

## مبانی نظری پژوهش

نظریه‌ها و مدل‌های گوناگونی برای تبیین گسترش رفتارهای بزهکارانه توسط جامعه‌شناسان و اندیشمندان مطرح شده است. دورکیم، بنیانگذار اصلی جامعه‌شناسی بر این باور است که نرخ انحراف در جوامع، متأثر از نوع سازمان اجتماعی و میزان انسجام اجتماعی است. او در مطالعات خود نشان داد که نوع و میزان جرم در جامعه مستقیماً با شیوه‌های بنیادی که جامعه حول آن سازمان یافته است، مرتبط می‌باشد. مرتن همسو با دورکیم بر این باور بود که رفتار انحرافی در هر جامعه، نشانگر نوع خاصی بی‌سازمانی اجتماعی است. در تحلیل مرتن اثرات روانی فشار و تنش‌های موجود در جامعه بر انحراف تأثیر گذار است. شاو و مک‌کی در مکتب شیکاگو بر سبک‌های زندگی تأکید نمودند. آنها سبک‌های زندگی به گونه انحرافی که نتیجه بی‌سازمانی و فقدان همبستگی اجتماعی است را عامل بروز بزه و جرم به شمار می‌آورند (احمدی، ۱۳۸۴).

ساترلند، در نظریه همنشینی افتراقی معتقد است که افراد یک جامعه از طریق فرایند همنشینی، فرهنگ و ارزش‌های بزهکارانه و جنایی را فرا می‌گیرند. کوهن، خرده فرهنگ نابهنجار را شیوه خاص زندگی برخی افراد و گروه‌ها در جامعه می‌داند که شیوه زندگی‌شان تبدیل به نوعی سنت در آن جامعه شده است و همین خرده فرهنگ باعث روی آوردن افراد به رفتارهای بزهکارانه می‌شود. اگنیو در نظریه فشار بیان می‌کند که از دست دادن روابط و یا روابط منفی و آزار دهنده با والدین، گروه همسالان و اطرافیان و فشارهای ناشی از رویدادهای استرس‌زای زندگی می‌تواند منجر به ظهور رفتارهای بزهکارانه شود. از نظر گاتفریدسون و هیرشی، خودکنترلی پایین، در کنار فرصت‌های موجود، گرایش افراد به ارتکاب جرم را افزایش می‌دهد. در مقابل، میزان بالای خودکنترلی، از احتمال ارتکاب جرم به میزان قابل توجهی می‌کاهد. با وجود این، کنترل پایین به تنهایی علت وقوع جرم و بزه نمی‌باشد، زیرا در ارتکاب جرم علاوه بر خودکنترلی پایین، وجود فرصت‌های ارتکاب جرم نیز ضروری است (پیرز و مسراشمیت، ۲۰۰۵: ۱۷۸-۲۴۰).

نظریه‌ای که در تحقیق حاضر از بین نظریه‌های انحرافات اجتماعی به منظور تبیین عوامل جامعه‌شناختی تمایل به بزهکاری دختران جوان انتخاب گردیده، "نظریه پیوند اجتماعی هیرشی" است. هیرشی بر این باور است که بزهکاری، نتیجه فقدان پیوندهای اجتماعی بین نوجوانان و یک یا چند نهاد متعارف موثر و یا برنامه‌های اجتماعی به عنوان خطوط متعارف فعالیت‌ها می‌باشد (احمدی، ۱۳۸۴: ۸۷-۸۶). در جامعه

مدرن، نهاد تازه ای که با کارکردهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شکل گرفته، «فراغت» نام دارد. کنترل اجتماعی از طریق کلیه نهادها که نهاد فراغت یکی از آنهاست، انجام می‌شود و به نوعی تضمین کننده نظم اجتماعی است و نقش عمده‌ای در سلامت و رفاه اجتماعی دارد. تاکید اصلی کنترل اجتماعی، چگونگی اجتماعی شدن اعضای گروه می‌باشد. الگوهای فراغتی و روابط اجتماعی غیر رسمی نقش مهمی در انتقال ارزش‌ها و هنجارها به جوانان بر عهده دارند. براساس این دیدگاه، جرم و بزه هنگامی روی می‌دهد که پیوندهای اجتماعی بین فرد و جامعه تضعیف و یا تشدید می‌شوند. بعد مخرب و ناسالم الگوهای فراغتی که پیوندهای اجتماعی را بین جوانان با اعضای خانواده، گروه همسالان و جامعه، وابستگی و تعهد نوجوانان به الگوهای مثبت و اهداف مقبول و متعارف جامعه و مشارکت روزمره نوجوانان را تضعیف کند، به تمایلات بزهکارانه در جوانان منجر می‌شود. بر اساس این نظریه، چهار عنصر وابستگی، تعهد، مشارکت و اعتقاد مانع رفتار بزهکارانه می‌شود. در همین جهت، ضعف هریک از این چهار بعد در پیوندهای اجتماعی و در الگوهای فراغتی سالم دختران جوان می‌تواند موجب بروز رفتارهای انحرافی در آنها شود. "وابستگی"، میزان عاطفه و احترامی است که فرد برای دیگران مهم قائل است (پیرز و مسراشمیت، ۲۰۰۵: ۲۲۸). به عقیده هیرشی اگر جوان به واسطه فعالیت فراغتی سالم پیوندهای نزدیکی با دیگران برقرار کند، احتمال بیشتری هست که نسبت به آنچه آنها درباره رفتار او فکر می‌کنند، مراقب باشد (احمدی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱۰). الگوهای فراغتی که وابستگی و تعلق دختران جوان را به والدین، مدرسه، همسالان و دوستان به‌هنگار افزایش دهد، تمایلات و رفتارهای بزهکارانه را کاهش می‌دهد (علیوردی‌نیا و آرمان‌مهر، ۱۳۸۷: ۱۴۴). درحقیقت، دختران نوجوانی که از فراغتی اینترنتی به عنوان ابزاری برای فرار از واقعیت استفاده می‌کنند، از تماس‌های اجتماعی کناره‌گیری می‌کنند. بنابراین، آسیب‌پذیری اجتماعی آنها افزایش می‌یابد (فرهمند، ۱۳۸۷: ۱۵۱).

عناصر دوم نظریه پیوند اجتماعی هیرشی، "تعهد" است. تعهد مربوط به میزان سرمایه‌گذاری است که فرد برای دستیابی به اهداف عرفی انجام می‌دهد. هر چه سرمایه‌گذاری بیشتر باشد یا انگیزه برای کسب آن بالاتر باشد، دلیل بیشتری برای هم‌نوایی با هنجارهای جامعه وجود دارد. به نظر می‌رسد دختران جوانی که آرزوی موفقیت‌های ورزشی، علمی، هنری و... را در سر می‌پرورانند یا برای این منظور هزینه مالی می‌کنند و در کلاس‌های فوق برنامه شرکت و از الگوهای فراغتی سالم استفاده می‌کنند، به واسطه احساس تعهد حاصل از آن، پیوند قوی‌تری با جامعه برقرار می‌کنند که می‌تواند منجر به کاهش احتمال بزهکار شدن ایشان شود. سومین عنصر، "مشارکت" است. مشارکت بر این فرض استوار است که درگیری در فعالیت‌های فراغتی مورد قبول جامعه، موجب می‌شود وقت و آزادی محدود فرد صرف شود و نتواند به سراغ عمل بزهکارانه برود. بنابراین، هر چقدر دختران جوان در فعالیت‌های متعارف آموزشی،

درسی و ... مشارکت بیشتری داشته باشند، تمایل آنها نسبت به بزهکاری کمتر می‌شود. آخرین عنصر نظریه پیوند اجتماعی هیرشی، عنصر "اعتقاد" می‌باشد. باور، وفاداری فرد به ارزش‌ها و اصول اخلاقی گروه است. بسیاری اعتقاد دارند که نتیجه مهم فعالیت‌های فراغتی سالم نظیر ورزش، فرایند اجتماعی سازی آن است و بر اثر این تأثیر گذاری، جوانان نقش‌های اجتماعی را که در آینده با آن رو به رو خواهند شد، می‌آموزند. هیرشی استدلال می‌کرد که اعتقاد به خوب بودن برخی از ارزش‌ها همانند احترام به قانون و پلیس و اعتقاد به نادرستی برخی از رفتارها مانند بزهکاری نوجوانان، عامل موثری در ممانعت از بزهکاری نوجوانان می‌باشد (علیوردی‌نیا و آرمان‌مهر، ۱۳۸۷: ۱۴۴). چالشی که مربیان و متخصصان اوقات فراغت پیش رو دارند، چیزی بیش از آموزش مهارت‌ها و تدارک فرصت‌های بازی است. آنها باید به مردم کمک کنند تا در هر سنی که هستند، به اهمیت تأثیر اوقات فراغت در سلامت فردی و رفاه اجتماعی و تأثیری که تفریح و بازی بر ایجاد و تقویت ارزش‌های مثبت بشری دارند، ارج نهند (پیچلی، ۲۰۰۲: ۲).

در نهایت، هیرشی معتقد است که تمامی این چهار عامل (وابستگی، تعهد، مشارکت و اعتقاد) ارتباط زیادی با یکدیگر دارند؛ به طور کلی، هر چقدر فردی از طریق کاربرد یکی از این الگوهای فراغتی، ارتباط بیشتری با اجتماع برقرار نماید، احتمال استفاده از دیگر عناصر در جهت ارتباط با جامعه از سوی وی بیشتر می‌گردد. به عنوان مثال، دختر جوانی که به واسطه اوقات فراغت سالم به افراد بهنجار، وابستگی و تعلق دارد، احتمال مشارکت وی در فعالیت‌های متعارف و درک بهترش از رفتارهای مطلوب بیشتر می‌گردد (پیرز و مسراشمیت، ۲۰۰۵: ۲۲۸).

به باور هیرشی، جوانانی که اوقات فراغت خود را صرف انجام فعالیت‌های عرفی نظیر ورزش، تفریحات سالم و ... می‌کنند، کمتر احتمال دارد دست به اعمال انحرافی بزنند. به علاوه، کمیت و کیفیت روابط اجتماعی و مشغولیت در فعالیت‌های عرفی فراغتی به گونه‌ای است که جوان نیازی به انجام بزه در خود احساس نمی‌کند. شبکه اجتماعی غیر رسمی و الگوهای فراغتی به عنوان یکی از فعالیت‌های مهم اوقات فراغت، از اشکال مهم کنترل اجتماعی به حساب می‌آیند و دارای اهداف تربیتی زیادی هستند و باعث می‌شوند که مردم ارزش‌های مطلوب را یاد بگیرند (علیوردی‌نیا و آرمان‌مهر، ۱۳۸۷: ۱۴۴).

### فرضیه‌های پژوهش

۱- بین تحصیلات والدین و تمایل به بزهکاری دختران نوجوان رابطه معنی داری وجود دارد.

۲- بین شبکه اجتماعی و تمایل به بزهکاری دختران نوجوان رابطه معنی داری وجود دارد.

- ۳- بین فراغت اینترنتی و تمایل به بزهکاری دختران نوجوان رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۴- بین فراغت ورزشی و تمایل به بزهکاری دختران نوجوان رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۵- بین فراغت هنری و تمایل به بزهکاری دختران نوجوان رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۶- بین فراغت دینی و تمایل به بزهکاری دختران نوجوان رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۷- بین استفاده از رسانه‌های خارجی و تمایل به بزهکاری دختران نوجوان رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۸- بین استفاده از رسانه‌های داخلی و تمایل به بزهکاری دختران نوجوان رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۹- بین فراغت گردشگری- تفریحی و تمایل به بزهکاری دختران نوجوان رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۱۰- بین فراغت علمی و تمایل به بزهکاری دختران نوجوان رابطه معنی داری وجود دارد.

#### نمودار ۱: مدل مفهومی و تجربی تحقیق



#### تعریف مفاهیم

##### شبکه اجتماعی

شبکه‌های اجتماعی، واحد تشکیل‌دهنده ساخت جامعه هستند. ساخت اجتماعی به‌عنوان یک شبکه، از اعضای شبکه و مجموعه‌ای از پیوندها تشکیل شده است که افراد، کنشگران یا گروه‌ها را به هم متصل می‌سازد. بلوک‌های اصلی شبکه، "ارتباط" نام دارد (باستانی و صالحی هیکویی، ۱۳۸۶: ۶۷). اعضای شبکه سعی دارند با تبادل منابع مختلف، حمایت سایر اعضا را جلب نمایند و در مقابل، به‌گونه‌ای خاص

از آنها حمایت کنند. بنابراین، حمایت اجتماعی از اعضای شبکه یکی از کارکردهای شبکه روابط اجتماعی محسوب می‌شود. حمایت اجتماعی، یکی از پیامدهای اصلی روابط اجتماعی شبکه است که در سراسر جهان مورد توجه قرار گرفته است (دیویدسون و دیگران، ۲۰۰۸: ۳۶۳). حمایت اجتماعی عبارت است از: تأمین منابع مادی و روانی از سوی شبکه اجتماعی، به گونه‌ای که توانایی فرد را برای رویارویی با فشارها افزایش می‌دهد (کوهن، ۲۰۰۴: ۶۷۶). باستانی و صالحی هیکویی (۱۳۸۶) از حمایت مصاحبتی، حمایت عاطفی، حمایت خدماتی، حمایت مالی، حمایت اطلاعاتی و حمایت مشورتی به عنوان مهمترین انواع حمایت اجتماعی یاد می‌کنند. حمایت عاطفی و ابزاری، وجه اشتراک سه تعریف فوق هستند و به نظر می‌رسد مهمترین انواع حمایت‌های موجود در شبکه هم باشند. در این پژوهش، شبکه اجتماعی از طریق در نظر گرفتن کمیت (تعداد) و کیفیت (میزان صمیمیت) ارتباطات، رابطه فرد با اعضای خانواده، دوستان و خویشاوندان و میزان حمایت اجتماعی - در ابعاد مختلف آن، نظیر حمایت مالی، مصاحبتی، عاطفی، اطلاعاتی و خدماتی - را مورد سنجش قرار داد.

### الگوهای فراغتی

مجموعه فعالیت‌هایی را در برمی‌گیرد که شخص به میل و انگیزه درونی خود، خواه برای استراحت و سلامتی، خواه برای تفریح و بازی، خواه برای گسترش اعتقادات، دانش و ذوق یا مشارکت آزاد اجتماعی یا بروز خلاقیت و توانایی، در زمانی فارغ از تعهدات و الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی انجام می‌دهد (لس‌هی‌وود، ۱۳۸۰: ۹). برای بررسی اعتبار سازه طیف الگوی اوقات فراغت، از تکنیک تحلیل عاملی استفاده شد (جدول ۱). بر پایه نتایج این تکنیک، هشت عامل به دست آمد که به ترتیب: فعالیت‌های دینی، اینترنتی، استفاده از موسیقی مدرن، استفاده از ماهواره، فعالیت‌های هنری، فعالیت‌های ورزشی، فعالیت گردشگری - تفریحی و استفاده از رسانه داخلی نام گذاری شدند. بر اساس نتیجه جدول ۱ و با توجه به آماره  $K.M.O = 0/85$  در تمام ابعاد، می‌توان نتیجه گرفت که داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب بوده و نتیجه آزمون بارتلت نیز معنی‌دار است. در واقع، میزان خطا در سطح اطمینان بیش از ۹۹ درصد با  $Sig = 0/000$  معنادار است. به عبارت دیگر، کلیه عناصر به کار رفته برای هر بعد، قدرت تبیین کنندگی مورد نظر را برای متغیر مورد نظر داشته‌اند. بنابراین، در این پژوهش برای اندازه‌گیری الگوهای فراغتی از فعالیت‌های هنری (انجام فعالیت هنری نقاشی، موسیقی و ... و حضور در کلاس‌های هنری)، ورزشی (انجام ورزش پیاده روی، شنا، شرکت در انجمن‌های ورزشی، رفتن به پارک‌ها و باشگاه برای ورزش کردن)، اینترنتی (استفاده از اینترنت برای گرفتن اخبار و اطلاعات، چت و وبگردی)، گردشگری - تفریحی (رفتن به مراکز خرید و اماکن عمومی نظیر سینما و تئاتر، صرف غذا در رستوران، رفتن به مهمانی و گشت و گذار)، دینی (انجام امور مذهبی و رفتن به مراکز مذهبی)، علمی (رفتن به کلاس‌های

آموزش مهارت‌ها، مطالعه و پژوهش)، استفاده از رسانه داخلی (شامل تماشای برنامه‌های مختلف تلویزیون داخلی، استفاده از رادیو و روزنامه و مجلات داخلی)، استفاده از موسیقی مدرن (استفاده از سی. دی. وی. دی. و گوش دادن به آهنگ‌های پاپ، جاز، راک) و ماهواره (مشاهده برنامه‌های مختلف، تبلیغات و فیلم‌های ماهواره ای) در مکان‌های مختلف استفاده شد (مهدوی و تمیز، ۱۳۸۷: ۱۲).

جدول ۱: نتایج تحلیل عاملی

آزمون KMO	ابعاد الگوهای فراغتی	عامل های الگوهای فراغتی								اجزای الگوهای فراغتی
		عامل ۸	عامل ۷	عامل ۶	عامل ۵	عامل ۴	عامل ۳	عامل ۲	عامل ۱	
K.M.O=۰/۸۵ •Sig=	فعالیت‌های دینی								۰/۷۸۸	شرکت در جلسات مذهبی
									۰/۷۷۷	همکاری با هیئت‌های دینی
									۰/۷۰۳	حضور در نیروی بسیج
									۰/۶۶۰	تماشای برنامه‌های مذهبی تلویزیون
									۰/۶۲۰	شرکت در نمازهای جماعت
									۰/۵۹۹	حضور در مساجد، کلیسا یا کنیسه
									۰/۵۰۵	انجام فعالیت‌های مذهبی در خانه
	فعالیت‌های اینترنتی								۰/۸۰	چت کردن با اینترنت
									۰/۷۹	وبگردی
									۰/۷۲	استفاده از فیس بوک و تویتر
									۰/۶۲	استفاده از پست الکترونیکی
									۰/۴۹	استفاده از اینترنت جهت به دست آوردن خبر و اطلاعات مورد نیاز
	استفاده از موسیقی مدرن								۰/۸۱۳	گوش دادن به موسیقی جاز، رپ و راک
									۰/۷۲۰	گوش دادن به موسیقی خارجی کلاسیک
									۰/۵۵۹	استفاده از CD، DVD، موسیقی، Mp4، MP3 player
									۰/۵۴۱	گوش دادن به موسیقی پاپ ایرانی لوس آنجلسی
	استفاده از ماهواره							۰/۷۳۶	مشاهده فیلم یا شوهای تلویزیون های خارجی	

					۰/۶۶۶				مشاهده تبلیغات ماهواره‌ای در زمینه لباس، مد و ...
					۰/۶۱۸				مشاهده برنامه‌های مختلف ماهواره ای
فعالیت‌های هنری					۰/۷۳				انجام فعالیت هنری مانند نقاشی و نوازندگی
					۰/۵۸				حضور در نمایشگاه‌های مختلف (نقاشی، خطاطی و ...)
					۰/۴۹				کلاس نقاشی، خطاطی و موسیقی
فعالیت‌های علمی					۰/۴۹				کلاس زبان‌های خارجی یا آموزش رایانه و نرم‌افزارهای آن
									مطالعه کتاب
									حضور در کتابخانه‌ها و پژوهشکده
فعالیت‌های ورزشی					۰/۶۹				ورزش والیبال، بسکتبال، کوهنوردی و شنا
					۰/۴۹				شرکت در انجمن‌های ورزشی
					۰/۴۸				رقصیدن، انجام حرکات آیروبیک و حرکات یوگا
					۰/۴۵				استفاده از وسایل ورزشی در منزل
فعالیت‌های گردشی - تفریحی		۱۶۸۸							حضور در پارک‌ها و امکان تفریحی
		۰/۶۷							گشت و گذار در خیابان‌ها، پاساژها و ...
		۱۶۶۰							صرف غذا در رستوران، فست فود
		۰/۶۲							حضور در مهمانی‌های دوستانه (Party)

		۰/۶						آرایش صورت، مو، تاتوی موقت
		۰/۵۹						حضور در سینماها، تئاتر، ...
استفاده از رسانه داخلی		۰/۵۱						مطالعه روزنامه‌ها و مجلات داخلی
		۰/۴۹						گوش دادن به برنامه‌های رادیو داخلی
		۰/۴۵						مشاهده برنامه‌های تلویزیون داخلی
		۰/۴۴						تماشای برنامه‌های مذهبی تلویزیون

### تمایل به بزهکاری

بزهکاری جوانان، پدیده‌ای جهانی است که جوامع گوناگون بر حسب وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود با انواع متفاوتی از آن روبرو هستند. بزهکاری جوانان، شاخه‌ای فرعی از انحراف و جرم است که به طور خلاصه می‌توان آن را نقض معیارهای قانونی توسط جوانان تعریف کرد. اصطلاح بزهکار در مورد کسانی به کار برده می‌شود که اعمالی بر خلاف موازین، قوانین و ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی مرتکب می‌شوند (فرجاد، ۱۳۷۵: ۱۶۹). متغیر وابسته تمایل به بزهکاری بر حسب عمق و شدت عمل انحرافی به دسته‌های کوچکتری مانند بزهکاری شدید (حملات شدید، سرقت، استفاده از سلاح گرم در سرقت‌ها و ...) و بزهکاری ملایم (تخریب و شکستن اموال مدرسه و عمومی، پاره کردن صندلی و ...) تقسیم می‌شود (اگنیو، ۱۹۹۱: ۵۹). در پژوهش حاضر، منظور از رفتار بزهکارانه، بزهکاری از نوع خفیف است و موارد زیر به عنوان رفتار بزهکارانه شناخته می‌شوند: فرار از مدرسه، فرار از خانه، ارتباط تلفنی یا مستقیم با جنس مخالف، دروغ، شرکت در دعوای گروهی یا فردی، تخریب اموال عمومی (اموال مدرسه، صندلی اتوبوس و...)، تقلب در امتحان، آوردن فیلم و سی. دی. های غیرمجاز به مدرسه، دزدی، نافرمانی نسبت به والدین و توهین به آنها، تأخیر در مدرسه به طوری که موجب ناراحتی خانواده و مدرسه شده باشد (زاهد زاهدانی و الماسی، ۱۳۸۶: ۴۴). متغیر تمایل به بزهکاری در این پژوهش در قالب تعداد دفعات تمایل به انجام رفتارهای بزهکارانه خفیف فوق در خود و دوستان نزدیک ارزیابی شده است.



## روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق این پژوهش، پیمایشی است و اطلاعات مورد نیاز، با تکنیک پرسشنامه جمع‌آوری شد. جامعه آماری تحقیق دختران ۱۵-۱۸ ساله ساکن در شهر کرمان هستند که جمعیت آن‌ها در سال ۱۳۹۲ برابر با ۳۶۵۶۸ نفر است (مرکز آمار اطلاعات استان کرمان، ۱۳۹۲). با استفاده از فرمول کوکران با ضریب اطمینان ۹۵ درصد، تعداد ۳۸۱ نفر حجم نمونه (افراد) تعیین شد. در پژوهش حاضر، به علت محدودیت در دسترسی به آمار جمعیت جوانان ذریبط در خانه‌ها، چارچوب نمونه‌گیری تحقیق محدود به مصوب شهر مورد مطالعه بود و از شیوه نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای بهره‌گرفته شد؛ بدین صورت که ۴ منطقه در شهر کرمان و در هر منطقه تقریباً ۷۰۰ بلوک قرار دارد. با استفاده از فرمول کوکران ۸۴ بلوک از هر منطقه به طور تصادفی انتخاب شد. سپس از هر ۲۵ خانه در درون هر بلوک، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی یک خانه و در برخی مناطق پر جمعیت تر، دو خانه انتخاب شدند. در تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش از دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی و از نرم‌افزار اسپس (Spss) استفاده شده است. در فرایند جمع‌آوری داده‌ها به شرکت‌کنندگان توضیح داده شد که مشارکت آن‌ها در تحقیق داوطلبانه و اطلاعات آن‌ها کاملاً محرمانه خواهد بود.

در پژوهش حاضر، از اعتبار صوری برای طیف متغیر شبکه اجتماعی، تحصیلات والدین و تمایل به بزهکاری و نظر کارشناسان و صاحب نظران استفاده شده، زیرا در تحقیقات انجام شده اعتبار این طیف‌ها مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین، از آزمون تحلیل عامل جهت اعتبارسنجی طیف الگوهای فراغتی نیز بهره‌گرفته شد. برای سنجش پایایی پرسشنامه، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. کلیه سؤالات در قالب طیف لیکرت و سطح یا مقیاس فاصله‌ای مطرح و بر همین اساس، نمره‌دهی انجام شد. نتایج ضریب آلفای کرونباخ برای طیف الگوهای فراغتی بطور کلی ۰/۸۲ و برای طیف تمایل به بزهکاری ۰/۸۳ به دست آمد. در بین ابعاد الگوی فراغت، طیف فعالیت‌های گردشگری - تفریحی و اینترنتی دارای بیشترین پایایی (۰/۸۰) و استفاده از رسانه داخلی دارای کمترین ضریب پایایی (۰/۴۲) می‌باشند. ضریب آلفای کرونباخ طیف شبکه اجتماعی، ۰/۸۴ به دست آمد.

## یافته‌های پژوهش

### یافته‌های توصیفی

به منظور شناخت کلی از ویژگی‌های فردی پاسخگویان این پژوهش، نتایج توصیفی نشان می‌دهد که میانگین سنی پاسخگویان ۱۵ سال بوده است. بیشتر پاسخگویان (۳۵/۸ درصد) ۱۶ ساله بوده‌اند که

۸۸/۹ درصد آنها متولد شهر کرمان و ۱۱/۱ درصد متولد سایر شهرها - ۶۸/۶ درصد متولد شهرستان های کرمان و ۳۱/۴ درصد متولد سایر استان های کشور- بوده اند. بیشتر پاسخگویان در خانواده چهار نفری زندگی می کنند و بیشترین تعداد اعضای خانواده ۹ نفر (تنها یک پاسخگو) و کمترین تعداد اعضای خانواده ۲ نفر- دارای فراوانی ۸ - بوده است. در پاسخ به سوال از معدل سال گذشته، بیشتر پاسخگویان (۴۴/۶ درصد) معدل خود را ۱۹ بیان کرده اند. در مورد سطح تحصیلات پدر و مادر، بیشتر پاسخگویان به ترتیب با ۳۷/۹ درصد و ۳۸/۹ درصد به سطح دیپلم اشاره داشته اند.

نتایج توزیع درصد فراوانی پاسخگویان بر حسب نمره اکتسابی از متغیرهای مستقل نشان می دهد که ۷۸ درصد در حد کم از رسانه داخلی و ۳۱/۶ درصد در حد متوسط از رسانه خارجی استفاده می کنند. حدود ۴۷ درصد در زمان اوقات فراغت در حد متوسط به فعالیت های گردشگری - تفریحی می پردازند و تنها ۷/۶ درصد از پاسخگویان در حد زیاد از اینترنت استفاده می کنند. همچنین، ۴۱ درصد از پاسخگویان در سطح متوسط به فعالیت دینی و مذهبی می پردازند، اما فعالیت ورزشی بیشتر پاسخگویان (۷۵/۵ درصد) در سطح کم بوده است. نتایج توصیفی متغیر تمایل به بزهکاری و برخی گویه های آن نیز به این شرح است: تقریباً ۵۰ درصد از پاسخگویان تمایل به بزهکاری در سطح متوسط داشته اند. بیشتر پاسخگویان (۳۳/۱ درصد) بیان کرده اند که خیلی کم به دیگران دروغ گفته اند. ۱۰/۸ درصد از پاسخگویان اظهار داشته اند که در امتحانات زیاد تقلب می کنند. در پاسخ به سوال برداشتن وسایل دیگران، بیشتر پاسخگویان به گزینه خیلی کم و ۱۶/۸ درصد به گزینه حد متوسط اشاره کرده اند.

۲۳/۶ درصد از پاسخگویان، ارتباط خود را با جنس مخالف در حد متوسط بیان کرده اند. همچنین، در پاسخ به سوال آسیب رساندن به وسایل مدرسه برای سرگرمی و بدون دلیل خاصی، ۱۷/۸ درصد به حد متوسط و ۳/۷ درصد به حد زیاد اشاره نموده اند. علاوه بر این، در پاسخ به سوال آسیب رساندن به وسایل مدرسه برای انتقام از مدیر و معلم ۱۳/۶ درصد در حد متوسط و ۲/۹ درصد در حد زیاد جواب داده اند. ۲۱/۵ درصد از پاسخگویان دعوا در مدرسه خود را در حد متوسط اظهار داشته اند، اما بیشتر ( ۵۲/۸ درصد) پاسخ اصلاً را بیان کرده اند.

جهت آزمون فرضیات تحقیق پیش فرض نرمال بودن متغیر اصلی تحقیق با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف مورد بررسی قرار گرفت. نتایج اجرای این آزمون در جدول ۲ نشان می دهد که آماره (K-S Z) با مقدار به دست آمده ۰/۸۱ در سطح کوچکتر از ۰/۰۱ معنی دار نیست؛ یعنی، مقدار آن بین ۱/۹۶+ و ۱/۹۶- قرار گرفته و با ۰/۹۹ درصد اطمینان می توان گفت توزیع متغیر تمایل به بزهکاری

در بین نمونه با توزیع آن در جامعه نرمال است و تفاوت معنی‌داری بین فراوانی‌های مشاهده شده و فراوانی‌های مورد انتظار وجود ندارد. در نتیجه، در پژوهش حاضر برای تحلیل داده‌ها، از آزمون‌های ناپارامتریک مناسب استفاده گردید.

جدول ۲: آزمون کولموگروف-اسمیرنف تک نمونه‌ای

متغیر وابسته	میانگین	انحراف استاندارد	آماره K-S Z	سطح معنی‌داری
تمایل به بزهکاری	۸۸/۶۶	۱۴/۶۱	۰/۸۲	۰/۵۶

جدول ۳: آزمون همبستگی پیرسون متغیرهای مستقل و تمایل به بزهکاری دختران نوجوان

تمایل به بزهکاری				متغیر وابسته	
Sig	همبستگی پیرسون	متغیر مستقل	Sig	همبستگی پیرسون	متغیر مستقل
۰/۰۰۰	۰/۳۵	ماهواره	۰/۹۳	۰/۰۰۵	سن
۰/۰۰۰	۰/۲۸	موسیقی مدرن	۰/۳۵	-۰/۰۵۲	بعد خانوار
۰/۱۷	۰/۰۷	رسانه داخلی	۰/۰۱	-۰/۱۳۲	شبکه اجتماعی
۰/۰۰۱	۰/۱۷	فعالیت ورزشی	۰/۰۲	-۰/۱۳	تحصیلات والدین
۰/۳۶	۰/۰۵	فراغت هنری	۰/۰۰۰	۰/۴۱	فراغت اینترنتی
۰/۸	۰/۰۱۳	فراغت علمی	۰/۰۰۰	۰/۳۵	فراغت گردشگری
			۰/۰۰۱	-۰/۱۸	فراغت دینی

با توجه به مندرجات جدول ۳ مشاهده می‌شود که برای بررسی ارتباط متغیرهای مستقل با تمایل به بزهکاری از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج این آزمون گویای آن است که تمامی روابط به جز روابط متغیرهای مستقل سن، بعد خانوار، استفاده از رسانه داخلی، فراغت علمی و هنری با تمایل به بزهکاری به لحاظ آماری معنی‌دار بوده است. جهت رابطه شبکه اجتماعی، تحصیلات والدین، فراغت دینی و تمایل به بزهکاری منفی بوده است، در حالی که جهت سایر روابط مثبت است. گفتنی است که بیشترین ضریب همبستگی مربوط به الگوی فراغت اینترنتی می‌باشد. ضریب همبستگی مثبت رابطه الگوهای فراغتی اینترنتی، استفاده از ماهواره و موسیقی مدرن، فراغت گردشگری - تفریحی و

فعالیت ورزشی با متغیر وابسته، به این معناست که افزایش این الگوهای فراغتی، موجب افزایش تمایل به بزهکاری دانش‌آموزان دختر نوجوان می‌شود، اما در مورد متغیر الگو فراغت دینی، شبکه اجتماعی و تحصیلات والدین رابطه برعکس است و با افزایش این متغیرها در بین پاسخگویان، نمره تمایل به بزهکاری دختران نوجوان کاهش می‌یابد.

جدول ۴: تبیین جامعه شناختی عوامل موثر بر تمایل به بزهکاری دختران نوجوان بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره گام به گام

مرحله	متغیر وارد شده	R	R <sup>2</sup>	B	Beta	T	سطح معنی داری
اول	فراغت اینترنتی	۰/۳۹۷	۰/۱۵۸	۱/۸۶	۰/۳۸	۷/۳۹	۰/۰۰۰
دوم	استفاده از ماهواره	۰/۴۶۶	۰/۲۱۷	۰/۴۳۹	۰/۲۶	۴/۶۸	۰/۰۰۰
سوم	فراغت گردش-تفریحی	۰/۴۸۰	۰/۲۳۱	۰/۳۴۶	۰/۱۵	۲/۲۸	۰/۰۲۳

هدف این قسمت، یافتن میزان و سهم اثر متغیرهای مستقل در تبیین میزان تمایل به بزهکاری دختران نوجوان شهر کرمان می‌باشد. روش مورد استفاده در اینجا روش گام به گام<sup>۱</sup> می‌باشد که طی آن متغیرها برحسب بیشترین تأثیری که در تعیین متغیر وابسته دارند وارد معادله می‌گردند. بر اساس نتایج حاصل از جدول ۴ در طی مراحل مختلف تحلیل رگرسیون، ۳ مدل شناسایی شد. به طور خلاصه نتایج مربوط به تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که ۲۳ درصد از تغییرات تمایل به بزهکاری دختران نوجوان توسط سه متغیر فراغت اینترنتی، استفاده از ماهواره و فراغت گردش-تفریحی تبیین می‌شود؛ چنان که مشاهده می‌شود در این مدل ابتدا متغیر فراغت اینترنتی، سپس متغیر استفاده از ماهواره و فراغت گردش-تفریحی وارد شده است و متغیرهای شبکه اجتماعی، تحصیلات والدین، فعالیت ورزشی، فراغت دینی و استفاده از موسیقی مدرن از معادله حذف شدند. متغیر فراغت اینترنتی در دختران نوجوان دارای بیشترین ضریب بتا با تمایل به بزهکاری می‌باشد. کلیه ضرایب بتا در این جدول مثبت است؛ یعنی، با افزایش نمره فرد در هر یک از این متغیرها، نمره تمایل به بزهکاری افزایش می‌یابد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت هر چه میزان استفاده از اینترنت، استفاده از ماهواره و فراغت گردش-تفریحی در زمان فراغت بیشتر شود، میزان تمایل به بزهکاری دختران نوجوان نیز افزایش می‌یابد.

<sup>1</sup> Stepwise

جدول ۵ نتایج آزمون تحلیل رگرسیون چند متغیره گام به گام برای سنجش رابطه غیر مستقیم بین متغیرهای زمینه‌ای (سن و بعد خانوار) و متغیرهای مستقل اصلی (شبکه اجتماعی، تحصیلات والدین و الگوهای فراغتی) با متغیر وابسته را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج این آزمون، متغیرهای شبکه اجتماعی و تحصیلات والدین به عنوان عوامل تعیین کننده بر متغیرهای واسطه‌ای فراغت اینترنتی، استفاده از ماهواره، فراغت تفریحی - گردش و بعد خانوار از مدل تحقیق حذف گردیدند.

جدول ۵: محاسبه رگرسیون چند متغیره با روش گام به گام برای بررسی تاثیر متغیرهای مستقل بر متغیرهای واسطه‌ای

متغیر واسطه‌ای	متغیر مستقل	R <sup>۲</sup>	B	Beta	خطای استاندارد	میزان تی	سطح معناداری
فراغت اینترنتی	شبکه اجتماعی	۰/۰۸	۰/۰۱۶	۰/۲۹	۰/۰۰۳	۵/۲۷	۰/۰۰۰
	تحصیلات والدین	۰/۰۱۲	۰/۰۴۶	۰/۱۹	۰/۰۱۳	۳/۵۲	۰/۰۰۰
استفاده از ماهواره	شبکه اجتماعی	۰/۰۴	۰/۰۱۲	۰/۱۹	۰/۰۰۴	۳/۴۸	۰/۰۰۱
	تحصیلات والدین	۰/۰۵	۰/۰۳۲	۰/۱۲	۰/۰۱۶	۲/۰۹	۰/۰۳۷
فراغت تفریحی - گردش	شبکه اجتماعی	۰/۱۱	۰/۰۲۳	۰/۳۲	۰/۰۰۴	۶/۰۳	۰/۰۰۰
	تحصیلات والدین	۰/۱۲	۰/۰۰۴	۰/۱۳	۰/۰۱۷	۲/۴۱	۰/۰۱۷

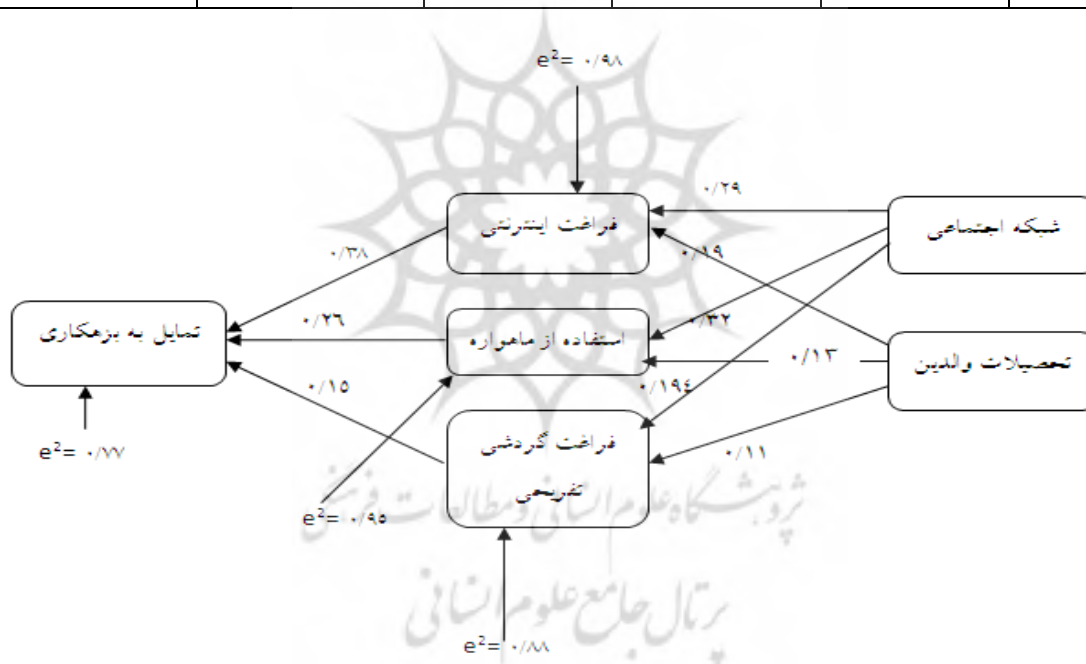
مدل تجربی پژوهش، یک مدل علی از نوع تحلیل مسیر است. برای رسم مدل مسیر از ضرایب بتای متغیرهایی استفاده شده است که مقدار T آنها در سطح معنی داری قرار دارد. ضریب بتا در این مدل، نماینده شدت رابطه بین دو متغیر با ثابت نگه داشتن اثر متغیرهای دیگر موجود در مدل است. در ضمن فلش‌های اضافی که از بیرون به متغیرها هدایت شده‌اند، به مقداری از واریانس توضیح داده نشده برای هر متغیر برمی‌گردد که کنترل آنها از توان ما خارج بوده است.

با توجه به مدل مسیر می‌توان گفت در میان متغیرهای گنجانده شده در مدل، بیشترین تاثیر مستقیم و کل بر تمایل به بزهکاری به ترتیب توسط متغیر فراغت اینترنتی و استفاده از ماهواره مشخص شده است.

وزن بتا در مرحله ورود مستقیم و تأثیر کل برای متغیر فراغت اینترنتی برابر (Beta= ۰/۳۸) و برای متغیر استفاده از ماهواره (Beta= ۰/۲۶) بوده است که بیشترین درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. از متغیرهایی که بصورت غیر مستقیم بیشترین تأثیر بر تمایل به بزهکاری داشته‌اند، شبکه اجتماعی (Beta=۰/۲۲) می‌باشد.

جدول ۶: ضریب مسیر متغیرهای مدل

نام متغیر	شبکه اجتماعی	تحصیلات والدین	فراغت اینترنتی	استفاده از ماهواره	فراغت گردشگری - تفریحی
تأثیر مستقیم	-----	-----	۰/۳۸	۰/۲۶	۰/۱۵
تأثیر غیر مستقیم	۰/۲۲	۰/۱۲	-----	-----	-----
تأثیر کل	۰/۲۲	۰/۱۲	۰/۳۸	۰/۲۶	۰/۱۵



نمودار ۲: مدل تحلیل مسیر

## بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که گذران اوقات فراغت دختران نوجوان در الگوهای گوناگون با کاستی روبه‌روست. به طور کلی، مشارکت و فعالیت آنها در الگوهای فراغتی پایین و قابل توجه است. این مسئله در مورد دختران نوجوان و جوان با توجه به این نکته که غالب فضاهای فراغتی مانند مراکز ورزشی و تفریحی تحت نظارت مردان قرار دارد، برجستگی بیشتری به خود می‌گیرد. علاوه بر این،

دختران برای دسترسی به وسایل حمل و نقل نیز با محدودیت و مشکل روبه‌رو هستند. محدودیت‌های فضایی - زمانی نیز دامنه‌گزینه‌های فعالیت‌های فراغتی دختران را بسیار محدود می‌کند که به این عوامل، عامل مادی را هم باید افزود، چرا که بسیاری از دختران معمولاً به دلیل درآمد مصرفی به مردان خانواده وابسته‌اند (گرین، ۱۹۹۰: ۱۳۶).

نتایج توزیع فراوانی الگوهای فراغتی حاکی از آن است که تمایل دختران جوان به استفاده از اینترنت و رسانه‌های خارجی نظیر فیلم، ماهواره، موسیقی مدرن و... در حال افزایش است. در مقابل، توجه به رسانه داخلی و ورزش در بین آنها کاهش چشمگیری را نشان می‌دهد. با توجه به باورهای رایج ناشی از جهانی شدن فرهنگی تمایل دختران به تناسب اندام، لاغری از طریق رژیم‌های غذایی افزایش و استفاده از ورزش‌های تیمی و حتی انفرادی به خصوص با نبود انگیزه‌های موفقیت ورزشی، رو به کاهش است. همچنین نتایج حاکی از آن است که فراغت دینی و گردشی - تفریحی در بین دختران نوجوان با اقبال در حد متوسط رو به رو است.

نتایج توصیفی متغیر وابسته نیز نشان می‌دهد که تقریباً نیمی از دختران نوجوان تمایل به بزهکاری داشتند و به ترتیب مرتکب برقراری رابطه با جنس مخالف، دروغ، تقلب، برداشتن وسایل دیگران، آسیب رساندن به وسایل مدرسه و عمومی و دعوا در مدرسه می‌شوند. یافته‌های استنباطی این پژوهش نشان داد که تحصیلات والدین با گرایش نوجوانان دختر به رفتارهای بزهکارانه رابطه منفی دارد. نوجوانان دختری که والدین آنها از تحصیلات بیشتری برخوردارند، تمایل کمتری به بزهکاری نشان دادند. در واقع، همان گونه که بوردیو (۱۹۷۸) استدلال می‌کند نحوه گذران اوقات فراغت به عنوان یک مولفه سبک زندگی بر اساس میزان سرمایه فرهنگی که فرد در اختیار دارد، تعیین می‌شود. سرمایه فرهنگی و سبک فراغتی انتخاب شده، به عنوان منبع تفسیر و رفتار فرد عمل می‌کنند و جزو عوامل شکل‌گیری رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان دختر به شمار می‌آیند. نتیجه آزمون این فرضیه با نتایج تحقیقات احمدی (۱۳۸۸) و پوریوسفی (۱۳۸۸) همسوست.

این پژوهش مطابق با نظریه کنترل اجتماعی هیرشی و یافته‌های محققان علمی مک‌لین (۲۰۰۵)، ساوینا (۲۰۰۸)، افروز (۱۳۷۰)، خواجه نوری (۱۳۸۹)، احمدی (۱۳۸۸) و تنهایی و عباسی (۱۳۸۷) نشان می‌دهد که استفاده از الگوهای فراغتی با گرایش نوجوانان دختر به رفتارهای بزهکارانه رابطه دارد. میزان مشغول بودن فرد به فعالیت‌های فراغتی گوناگون باعث می‌شود که فرد برای کار خلاف وقت نداشته باشد، اما همان طور که هیرشی بیان می‌کند الگوهای فراغتی گوناگون، ویژگی‌های متفاوتی در زمینه

<sup>1</sup> Green

ایجاد وابستگی، مشارکت، تعهد و اعتقاد دارند. بنابراین تأثیر متفاوتی نیز بر رفتارهای دختران نوجوان می‌گذارند. به عنوان مثال، فراغت اینترنتی، گردش - تفریحی و استفاده از رسانه خارجی بیشترین تأثیر مثبت را بر تمایل به بزهکاری دختران نوجوان می‌گذارد، زیرا بر طبق نظریه هیرشی، این الگوها فاقد چهار عنصر نظریه پیوند اجتماعی (وابستگی، مشارکت، تعهد و اعتقاد) می‌باشند. گوش دادن به موسیقی های مبتذل و بدون پیام‌های معنادار، نمایش تصاویر خشونت آمیز و صحنه های قبیح و نامتعارف از رسانه‌های خارجی، شبکه های ماهواره و اینترنت و آشنایی با بعضی ترفندهای مجرمانه که در فیلم ها به تصویر کشیده می شوند، بازی های رایانه ای مهیج و محرک و ارتباط مجازی از طریق اینترنت، در نوع خود تأثیر منفی بر استفاده کنندگان، به ویژه قشر کم سن و سال و دختران جوان می‌گذارد و گرایش آنها به ارتکاب اعمال ناهنجار را افزایش می‌دهد.

همچنین، رابطه مثبت بین فراغت ورزشی با تمایل به بزهکاری دختران نوجوان با نتیجه تحقیق علی‌رودی‌نیا و کلی همخوانی دارد که تأیید این رابطه، گواهی بر تحریف و بی‌محتوا شدن عرصه‌های گوناگون زندگی حتی ورزش است. کلاس‌های ورزشی موجود فاقد توانایی لازم جهت ایجاد وابستگی، مشارکت دهی دختران نوجوان، درگیرکردن آنها در فعالیت‌ها و اهداف مقبول جامعه و نشاط و سرزندگی هستند. از این رو، با توجه به روند جهانی شدن، ورزش‌های جدید انفرادی - نظیر آیروبیک، یوگا و ورزش در منزل با دستگاه‌های ورزشی و... - به وجود آمده که نه تنها ارتباط آنها را با دیگران افزایش نمی‌دهد، بلکه باورها و تعهدات‌شان را نیز دستخوش تغییر می‌سازد.

در این پژوهش، دختران نوجوان که فراغت دینی داشتند، گرایش‌ات بزهکارانه کمتری بروز می‌دادند. همچنین، بین فراغت علمی، هنری و استفاده از رسانه داخلی با تمایل به بزهکاری دختران نوجوان رابطه وجود نداشت. درگیرشدن در فعالیت‌های دینی، فرهنگی، علمی و استفاده از رسانه داخلی قاعدتاً مشارکت آنها را در فعالیت‌های متعارف افزایش می‌دهد و فرصت لازم برای انجام بزهکاری را از بین می‌برد. از طرف دیگر، دخترانی که از این الگوها استفاده می‌کنند، با باورهای به‌هنگار و شایسته جلا می‌یابند و به نسبت دخترانی که از رسانه خارجی استفاده می‌کنند، تعهد بیشتری نسبت به اهداف جامعه دارند. بنابراین، الگوهای فراغتی که پیوندهای اجتماعی را بین جوانان با اعضای خانواده، گروه همسالان سالم و جامعه، وابستگی و تعهد نوجوانان را به الگوهای مثبت و اهداف مقبول و متعارف جامعه و مشارکت روزمره دختران نوجوان را افزایش دهد، تمایلات بزهکارانه را در آنها تضعیف می‌نماید.

نتایج تحقیق، رابطه منفی بین شبکه اجتماعی با متغیر وابسته تمایل به بزهکاری را تأیید نمود که با تحقیقات تجربی پوریوسفی و همکاران (۱۳۸۸)، صادقی فر (۱۳۸۹) و زاهد و الماسی (۱۳۸۶) همسوست.



در عصر کنونی، گسترش شهرنشینی و تحرک جغرافیایی مانع شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی قوی و مستحکم در بین افراد شده است. روابط اجتماعی غیر رسمی در زندگی شهری تغییر کرده است. روابط غیر رسمی و شبکه اجتماعی فرد در مقایسه با گذشته، ویژگی‌ها و برخی کارکردهای خود را از دست داده است و از طرف دیگر، شبکه‌های اجتماعی مجازی و منابع دیگری بوجود آمده‌اند که نقش آنها را بر عهده گرفته‌اند. جوان امروزی در چنین شرایط و وضعیتی برای پر کردن وقت آزاد و خلأ شبکه اجتماعی خود به سمت گزینه‌ها و منابع دیگری سوق داده می‌شود و بر اساس سرمایه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی که در اختیار دارد الگوهای فراغتی مختلفی را بر می‌گزیند، اما کیفیت و اهمیت الگوهای فراغتی در رشد و پرورش ارزش‌های اخلاقی و هنجاری افراد نادیده گرفته شده است.

در واقع، تغییرات اجتماعی و ورود سریع اطلاعات به جوامع جهان سوم به طور مرتب نیازها و خواسته‌های جوانان و نوجوانان را تغییر می‌دهد. یکی از این تغییرات اجتماعی، تغییر بعد کمی و کیفی شبکه‌های اجتماعی است. شبکه اجتماعی، عامل ایجاد پیوندهای اجتماعی نوجوانان هستند و با پیوند نوجوان به ارزش‌ها و هنجارهای جامعه از مشارکت، تعلق، اعتقاد و تعهد نوجوان به ارزش‌ها و هنجارهای غیر اخلاقی و رفتارهای نابهنجارانه جلوگیری می‌کند. در گذشته، این شبکه‌های اجتماعی مسئولیت پر کردن اوقات فراغت و انتقال ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی بر عهده داشتند، اما امروزه با کاهش ابعاد کمی و کیفی شبکه اجتماعی و گسترش فراغت، این امر مهم را نهاد فراغت برای جامعه انجام می‌دهد. در نتیجه، نهاد فراغت به عنوان یک نیروی کمکی می‌تواند در ایجاد چهار بعد مشارکت، وابستگی، تعهد و اعتقاد به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی هر جامعه در نوجوانان دختر تأثیرگذار باشد. بنابراین، فقط پر کردن اوقات فراغت جوانان بدون توجه به کیفیت و جنبه‌های مخرب فعالیت‌های فراغتی می‌تواند آسیب‌زا باشد. همچنین، رشد سریع فناوری‌های نوین ارتباطی پیام آور این است که فراغت مجازی به الگوی غالب فراغتی در نسل جدید و آینده تبدیل می‌شود، زیرا به نظر می‌رسد در عصر حاضر نیاز وسیعی در نوجوانان به پر کردن اوقات فراغت وجود دارد، اما در دسترس‌ترین و آسان‌ترین وسیله برای پر کردن اوقات فراغت همین فناوری‌های ارتباطی نوین است که منبعی برای پر کردن خلأ شبکه اجتماعی و نبود فراغت‌های جالب و در دسترس هستند. بنابراین، در فراغت‌های نوین و کلاس‌های تفریحی جدیدی که برگزار می‌شود باید به کیفیت و جنبه‌های سالم و ناسالم آنها توجه بیشتری شود.

واقعیت انکارناپذیر این است که با افزایش اوقات فراغت برنامه ریزی نشده و تعطیلات غیرهدفمند، آسیب‌های اجتماعی در جامعه افزایش می‌یابد. این موضوع، بیانگر اهمیت پرداختن به برنامه ریزی برای افزایش بهره‌وری اوقات فراغت به ویژه برای نسل جوان و دختران است. لذا با توجه به نتایج این

پژوهش، ضروری است عناصر وابستگی، مشارکت، تعهد و اعتقاد در برنامه‌ریزی الگوهای فراغتی مورد توجه قرار گیرد تا ضمن جلوگیری از هدر رفتن اوقات فراغت، بر باروری آن و از این راه بر غنای علمی و فرهنگی جامعه افزوده گردد.

## پیشنهادها

با توجه به آنچه گفته شد، پیشنهاد می‌شود:

- ساخت برنامه های متنوع و مطابق با علائق و خواسته های گروه نوجوانان دختر در دستور کار صدا و سیما قرار گیرد.
- کتاب های علمی و مفید برای گروه نوجوانان تهیه، شناسایی و معرفی شود.
- کلاس ها و کتاب های کاربردی که به رفع مسائل ویژه گروه مدنظر کمک می کند فراهم شود.
- موسیقی های مناسب روحیه و علائق دختران نوجوان ساخته و در اکران عمومی معرفی شود.
- برنامه های فرهنگی با شور و هیجان برای این گروه سنی و جنسی تدارک دیده شود.
- اوقات فراغت مطابق با ویژگی جامعه امروزی باشد و دسترسی به آنها برای همه اقشار و گروه های سنی به ویژه برای دختران نوجوان طبقات پایین تر فراهم شود.
- ایجاد یک گروه متخصص و ایده پرداز که همواره در مورد ارائه برنامه های فراغتی جدید و جذابی که نیاز به بودجه زیادی ندارند و در دسترس باشند، فعالیت کنند.
- شرکت های تولیدی در زمینه هنرهای تجسمی، صنایع دستی و غیره با رویکرد اقتصاد- محور ایجاد شود تا بتواند از توانایی ها و استعداد این افراد بهره گیری شود.
- کلاس های ورزشی با علاقه و توجه بیشتر تشکیل شوند و بر فعالیت های گروهی تأکید بیشتری شود.
- افراد به فراغت های خانوادگی ترغیب گردند و امکاناتی ویژه برای این نوع از فراغت در نظر گرفته شود.

## منابع

- احمدی، حبیب و میترا ابراهیمی (۱۳۹۱) "بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با نگرش دختران به رفتارهای بزهکارانه مطالعه موردی شهر گرگان". فصلنامه تخصصی حقوق. شماره ۹، صص ۲۶-۵۰.
- احمدی، حبیب، بیژن خواجه نوری و سید مجید موسوی (۱۳۸۸) "عوامل مرتبط با بزهکاری دانش-آموزان نوجوان". رفاه اجتماعی. شماره ۳۳، صص ۱۰۵-۱۲۲.
- اردکانیان، عباس (۱۳۸۶) "اهمیت آموزش اوقات فراغت در ارتقای سلامت جامعه". برگ فرهنگ. شماره ۲۴، صص ۱۷۶-۱۸۸.
- افروز، غلامعلی (۱۳۷۰) *هنگامه های فراغت زمینه ساز بهداشت روانی*. تهران: انتشارات آموزش و پرورش.
- باستانی، سوسن و مریم صالحی هیکویی (۱۳۸۶) "سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت، بررسی ویژگی های ساختی، تعاملی و کارکردی شبکه اجتماعی زنان و مردان در تهران". نامه علوم اجتماعی. شماره ۳۰: ۶۳-۸۷.
- پور یوسفی، حمید؛ طایفه، اشرف و آقا پور، فرکوش (۱۳۸۸) "بررسی جامعه شناختی عوامل موثر بر الگو پذیری رفتار اجتماعی دختران". پژوهش نامه علوم اجتماعی. سال سوم، شماره اول، صص ۱۶۰-۱۹۰.
- تنهایی، ابوالحسن و عباسی اسفجیر، علی اصغر (۱۳۸۷) "بررسی تأثیر اشتغال در فعالیت های روزمره بزهکارانه". جامعه شناسی. شماره ۱۲، صص ۹-۲۸.
- جربانی، حمید (۱۳۸۹) "بررسی آمار جرایم زنان ایران". مجله حقوق دادگستری. شماره ۷۲، صص ۹۱-۱۱۷.
- خواجه نوری، بیژن و هاشمی نیا، فاطمه (۱۳۸۹) "رابطه اوقات فراغت و بزهکاری دانش آموزان نوجوان شهر شیراز". مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. سال هفتم، شماره اول، صص ۳۱-۵.
- ردادی، محسن (۱۳۸۷) "سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی". راهبرد یاس. شماره ۱۶.

- رفعت جاه، مریم (۱۳۸۷) "بررسی الگوهای فراغتی دانشجویان خوابگاهی در دانشگاه تهران". دانشگاه تهران، معاونت پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی.
- رفعت-جاه، مریم؛ رشوند، مرجان و شهیدی زندی، مریم (۱۳۸۹) "تبیین جامعه‌شناسی فعالیت‌های فراغتی دختران جوان با تأکید بر عوامل آسیب‌شناختی آن". مطالعات راهبردی زنان. سال سیزدهم، شماره ۵، صص ۸۰-۲۹.
- زاهد زاهدانی، سید سعید و الماسی، مسعود (۱۳۸۶) "بررسی تطبیقی عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش به رفتار بزهکارانه در میان حاشیه‌نشینان و غیر حاشیه‌نشینان". فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر. سال دوم، شماره سوم، صص ۷۴-۲۵.
- سازمان ملی جوانان (۱۳۸۴) بررسی وضعیت فراغت جوانان. تهران: اهل قلم
- سلگی، محمد و صادق پور، بهرام و همکاران (۱۳۸۲) "بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان، پژوهش و تحقیق سازمان ملی جوانان، گزارش ملی جوانان". تهران: اهل قلم
- صادقی فر، مهدی (۱۳۸۹) "عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش نوجوانان و جوانان پسر به بزهکاری و راهکارهای پیشگیری از آن". فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات پیشگیری از جرم. سال پنجم، شماره شانزدهم، صص ۱۱۶-۸۶.
- علیوردی‌نیا، اکبر و آرمان‌مهر، وجیهه (۱۳۸۷) "فعالیت‌های ورزشی و بزهکاری: آزمون تجربی نظریه پیوند اجتماعی هیرشی". نشریه علوم حرکتی و ورزش. سال ششم، جلد دوم، شماره ۱۲، صص ۱۴۱-۱۳۳.
- فرجاد، محمدحسین (۱۳۷۵) آسیب‌شناسی اجتماعی، خانواده و طلاق. تهران: انتشارات منصوری
- فرهمند، مریم (۱۳۸۷) "دختران و کاربرد اینترنت". مطالعات راهبردی زنان. شماره ۴۱، صص ۱۶۹-۱۳۷.
- کاظمی، عباس (۱۳۸۷) "بررسی الگوهای فراغتی در میان دانشجویان کشور و عوامل همبسته آن". پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی، تهران.
- کوهستانی، حسینعلی و خلیل زاده، علی اصغر (۱۳۸۷) پژوهشی در اوقات فراغت و راه‌های بهره‌وری از آن. مشهد: تیهو

- لس هی وود و دیگران (۱۳۸۰) **اوقات فراغت**. محمد احسانی. تهران: نشر امید دانش
- مشکانی، محمدرضا و مشکانی، زهرا السادات (۱۳۸۱) **"سنجش تاثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان"**. مجله جامعه‌شناسی ایران. دوره چهارم، شماره ۲، صص ۲۵-۳.
- معاونت آموزش دفتر کاهش آسیب های اجتماعی (۱۳۹۰) **اوقات فراغت جوانان، آسیب های اجتماعی و راهکارهای کاهش آسیبهای اجتماعی ناشی از آن**. سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، وزارت کار و امور اجتماعی.
- مهدوی، سید محمدصادق و تمیز، رقیه (۱۳۸۷) **"کج رفتاری و اوقات فراغت"**. پژوهش‌نامه علوم اجتماعی. دوره دوم، شماره اول، صص ۲۴-۶.
- هاشمی، سید ضیاء (۱۳۸۹) **"الگوهای فراغتی دانشجویان شهر تهران"**. نامه علوم اجتماعی. شماره ۳۳، ۹۵-۱۱۴.
- Agnew, R. (1991) **"The interactive effects of peer variables on delinquency"**. American Journal of Criminology. Vol.29, No.1, Pp:47-72.
- Bourdieu, P. (1978) **"Sport and Social Class, in Social Science Information"**. Conceptuelle et méthodologique". *Loisir et Société*, 9 (2),:239-256.
- Cohen, S. (2004) **"Social Relationship and Health"**. American Psychologist. 59: 676-684.
- Green, E. & S. Hebron, & D. Woodward ( 1990) **Women's Leisure, what leisure**. London, Macmillan.
- Kelley, M., K.J. Sokol, J.H. Broddock & F.L. Bassinger (2004) **Control theory, sport and patterns in delinquency for youth**. New York: Edwin Mellen Press.
- Mclean, Daniel D., Amy, R., Hurd and Nancy Brattain, Rogers (2005) **Kraus' Recreation and Leisure in Modern Society**. London: Jones and Bartlett Publishers
- National Report Series N/A. ( 1999) **"Leisure time"**. Juvenile Justice Bulletin. P:23.
- Pichly, Andre (2002) **"Individuals can benefit physically, mentality, emotionally, spiritually and socially from a comprehensive leisure education program implemented in the schools during childhood."**

- Piers, B. & James W. Messerschmidt(2005) "**Criminology: A Sociological Approach**". Oxford University
- Robinson, J. P. & G. Godbey (1999) **Time for Life: The Surprising Ways Americans Use Their Time**. University Park, PA, Pennsylvania State University Press.
- Savina. N. N. (2008) **Leisure time and deviances**. Russia Education Society. Stated a Finish Adoloescent's Perceptions of Social Support: A Cross Cultural Analysis". **International School of Psychology**. 29 (3): 363-375



# **A sociological Explanation of Effective Factors on Tendency to Delinquency of Teenage Girls in Kerman City**

**Mohammad Taghi Iman**

Ph.D., Associate Professor in Sociology, Shiraz University

**Elham Shirdel**

Ph.D. student in Sociology, Shiraz University

**Fatemeh Anjom Shoa**

M.A. student in Sociology, Bahonar University, Kerman

**Hamid Shirdel**

Master degree in Sport Management, Science and Research University, Kerman

*Received: 11 May 2015*

*Accepted: 23 May 2015*

This research is to clarify the teenage girls' behaviors of tendency toward delinquency through social factors in Kerman. To do so, the social control theory of Hirsch has been used in the theoretical framework of this research. The independent variants of this research are social network, education rate of parents and patterns of leisure. The dependent variant of this survey including 24 items in the form of the number of times willing to commit delinquency in their intimate friends and themselves has been evaluated. The method of this research is investigative and the statistical population is teenage high school girls in Kerman in 2014. The number of sample is 381 students and the data was collected through a questionnaire. The results of descriptive and inferential statistics obtained from the data using SPSS software show: A) A considerable amount of interest in delinquency behavior of teenage girls is seen. B) There is a direct and meaningful relation between the internet leisure, use of satellite, recreational leisure, modern music, sports leisure patterns of leisure and the girls' tendency toward delinquency. C) The pattern of social network, education rate of parents and Islamic leisure has a decreasing effect on the tendency toward delinquency. D) Performing the multiple regression analysis showed that only three models of leisure have effects on the intensity of the tendency toward delinquency and can clarify 23 percent of it. These three variants were: Changing patterns of internet leisure,

Sightseeing and Recreational and use of satellite. Finally, social factor for example the education rate of parents, the lack of social ties in relations network of people and inexistence of correct social control in the leisure activities that lead the teenage girls to delinquency.

**Keywords:** Social Factor, Leisure, Tendency toward Delinquency and Girls

